

اسکان غیر رسمی، اولویت‌بندی چالش‌های محله جعفرآباد شهر کرمانشاه

علیرضا جمشیدی* - دانشجوی دکترای جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه اصفهان
داود جمینی - کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه اصفهان
معصومه جمشیدی - دانشجوی دکترای جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه اصفهان
رامین چراغی - کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تربیت مدرس

پذیرش مقاله: ۱۳۹۱/۰۹/۲۵ تأیید نهایی: ۱۳۹۱/۱۲/۲۰

چکیده

طی دهه‌های اخیر، اندک‌اندک محلات نابسامان و سکونتگاه‌های غیر رسمی، به‌طور عمده در حاشیه شهرهای بزرگ کشور، خارج از برنامه رسمی توسعه شهری و به‌صورت خودرو شکل گرفته و گسترش یافته است. این پدیده در مطالعات شهری یکی از آسیب‌های شهری معرفی شده است. تجمع اقشار کم‌درآمد و مشاغل غیر رسمی در سکونتگاه‌های غیر رسمی، شیوه‌ای از شهرنشینی ناپایدار را به‌وجود آورده و زمینه‌ساز بسیاری از آسیب‌ها و ناهنجاری‌های اجتماعی شده است. در فرایند آسیب‌شناسی شهری یکی از مراحل بسیار مهم، شناخت دقیق و همه‌جانبه از آسیب است. به‌گفته‌ای، تنها با شناخت دقیق از عوامل ایجاد آسیب است که می‌توان راهکارهای حل آن را نیز ارائه کرد. چالش‌های حاشیه‌نشینی را می‌توان به پنج دسته کلی تقسیم کرد، چالش‌های اقتصادی، چالش‌های اجتماعی، چالش‌های آموزشی، چالش‌های بهداشتی و چالش‌های مربوط به امور رفاهی که مبنای کلی این مطالعه است. بنابراین، هدف این پژوهش شناخت و اولویت‌بندی مسائل و مشکلات موجود پدیده اسکان غیر رسمی در محله جعفرآباد شهر کرمانشاه است که برای این امر از روش پژوهش پیمایشی استفاده شد. جامعه آماری آن شامل ۱۵۰۰ خانوار حاشیه‌نشین محله جعفرآباد شهرستان کرمانشاه است. در این پژوهش با استفاده از فرمول کوکران و با احتمال خطای ۱/۰، تعداد ۱۲۸ خانوار برای نمونه مورد مطالعه، به‌روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شد. اطلاعات مورد نیاز به‌کمک ابزار پرسش‌نامه جمع‌آوری شد. یافته‌های پرسش‌نامه با استفاده از روش تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP) و نرم‌افزار Expert Choice مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان می‌دهد که عامل اقتصادی، اصلی‌ترین چالش در منطقه است و عوامل اجتماعی، آموزشی، رفاهی و بهداشتی در رتبه‌های بعدی قرار دارند.

کلیدواژه‌ها: اسکان غیر رسمی، اولویت‌بندی، تحلیل سلسله‌مراتبی، جعفرآباد کرمانشاه، چالش‌ها.

مقدمه

اسکان غیر رسمی^۱ در جهان فراگیر بوده و خاص کشور یا کشورهای مشخصی نیست. نه تنها در کشورهای رو به پیشرفت یا کمتر پیشرفته، بلکه در کشورهای پیشرفته و صنعتی نیز می‌توان نمونه‌های زیادی را پیدا کرد، البته این امکان نیز وجود دارد که این امر در بین کشورهای ذکر شده از لحاظ محتوایی متفاوت باشد (شکویی، ۱۳۷۳: ۴۵۲ و خاکپور، ۱۳۹۰: ۱۵۷). براساس آمارهای موجود در کشورهای رو به پیشرفت، حدود ۵۰ درصد جمعیت شهری در مناطق حاشیه و حلبی‌آبادها یا در آلودگی‌ها زندگی می‌کنند که در بعضی از شهرهای این کشورها این نسبت تا ۸۰ درصد نیز افزایش می‌یابد. همچنین بین ۲۰ تا ۶۰ درصد ساکنان مناطق شهری در کشورهای پیشرفته و صنعتی در مناطقی زندگی می‌کنند که اسکان آنها به صورت غیر رسمی است (اطهاری، ۱۳۷۴: ۵۹).

اسکان غیر رسمی که به طور عمده با تصرف و ساخت غیر رسمی زمین و مسکن، عدم رعایت ضوابط و مقررات رسمی و متعارف شهری و ساختمانی، کمبود شدید خدمات زیرساختی و استفاده غیر رسمی از تأسیسات و تجهیزات شهری، رشد سریع کالبدی و جمعیتی، اشتغال غالب غیر رسمی، ناپایداری سازه‌ای و تأسیساتی، پایین بودن سرانه‌های خدماتی، ناپایداری درآمد و در نهایت بستر کالبدی مناسب برای رشد آسیب‌های اجتماعی و شکل‌گیری خرده‌فرهنگ‌های کجرو و ایجاد مأمّن و پناهگاه مناسب برای مجرمان و بزه‌کاران اجتماعی مشخص و شناخته می‌شود، طی دو دهه گذشته تبدیل به چالشی بزرگ، به شکل غالب در حاشیه، به ویژه در کلان‌شهرها شده است (شیعه و همکاران، ۱۳۹۰: ۴۰).

اسکان غیر رسمی از عوامل کلان ساختاری در سطح ملی و منطقه‌ای ناشی می‌شود. رشد فزاینده جمعیت شهری از توان سازمان‌های دولتی و غیر دولتی برای توسعه و ارائه خدمات و تسهیلات شهری برای این جمعیت فزاینده، پیشی گرفته و برآورده‌نشدن نیاز مسکن و سرپناه اقشار کم‌درآمد در فضای رسمی و برنامه‌ریزی شده شهر، حاشیه‌نشینی و اسکان غیر رسمی را به گونه‌ای بی‌سابقه گسترش داده است (همان).

ایران نیز در رده یکی از کشورهای رو به پیشرفت که با مسئله اسکان غیر رسمی روبه‌روست، از لحاظ نحوه برخورد با این پدیده قابل بررسی است. منشأ و روند شکل‌گیری سکونتگاه‌های غیر رسمی در ایران، می‌تواند همانند کشورهای توسعه‌نیافته و در حال توسعه باشد، ولی به طور مقایسه‌ای از شدت و وحدت یکسانی برخوردار نیست. اسکان غیر رسمی به شیوه مرسوم در ایران، از دهه ۱۳۲۰ آغاز شد و تا اواخر دهه ۵۰ با شدت نسبتاً زیادی روند گسترش خود را پیمود و بعد از انقلاب، از لحاظ شدت شکل‌گیری یکی از معضلات اساسی شهرهای ایران شد. طی این دوران، به دنبال رشد روابط و مناسبات سرمایه‌داری، تحولات و دگرگونی‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی شگرفی به وجود آمد. تمرکز دولت وقت در محدودی از شهرهای کشور به منزله کانون‌های رشد و توسعه، به واسطه روابط سرمایه‌داری وابسته یا غیر مولد بوده که این عوامل موجب فاصله شهر و روستا و مهاجرت بخشی از روستاییان به شهرها، به امید کسب اشتغال همراه با مسائل و مشکلات متعددی، از جمله شکل‌گیری اسکان غیر رسمی در حواشی و حتی مناطق داخل شهرها شد. طی روند تحولات مذکور، تمامی شرایط لازم برای تقویت گرایش‌ها و رشد شهرنشینی به شکل شتابان فراهم آمد. همچنین فرایند توسعه

کشور به شکل برون‌زا در قالب سرمایه‌داری وابسته به پیرامونی، موجب از هم‌پاشی نظام‌های کهن و سنتی تولید معیشتی شد (خاکپور و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۵۸). به‌طور کلی آنچه مسلم است، اینکه در کشور ایران علاوه بر روند فوق، تحولات ناشی از شکل تقسیم کار بین‌المللی و دگرگونی ساختار اقتصادی کشور، افزایش و انباشت درآمدهای نفتی و اصلاحات ارضی بعد از دههٔ چهل، از جمله علل عمدهٔ تسریع روند شهرنشینی و به پیروی از آن، شکل‌گیری اسکان غیر رسمی هستند.

براساس مطالعات انجام‌شده در زمینهٔ حاشیه‌نشینی در مناطق مختلف حاشیه‌نشین ایران، می‌توان گفت که مهم‌ترین ویژگی‌های آن عبارتند از: ساخت‌وساز نامناسب؛ فقر فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی؛ بیکاری؛ اشتغال کاذب؛ عدم رعایت بهداشتی جمعی و فردی؛ عدم دسترسی به امکانات رفاهی، بهداشتی و آموزشی؛ افزایش جرم‌وجنایت، فساد و فحشا؛ مصرف بیش‌ازحد مواد مخدر در مقایسه با سایر مناطق شهری و غیره. هم‌اکنون در اطراف شهرهای بزرگی چون تهران، مشهد، شیراز، کرمان، اصفهان، کرمانشاه و سایر شهرهای کشور نیز، شاهد رشد و گسترش مناطق حاشیه‌نشین هستیم (ربانی و همکاران، ۱۳۸۸).

حاشیه‌نشینی در زمان ما یک پدیدهٔ عام است؛ به‌گونه‌ای که برخی از صاحب‌نظران اظهار می‌دارند، در حدود ۳۰ درصد مردم شهرهای بزرگ جهان در مناطق حاشیه‌ای زندگی می‌کنند. با وجود این، برخی از منابع حجم آن را ۳۰ تا ۷۰ درصد جمعیت بسیاری از شهرهای کشورهای رو به پیشرفت اعلام می‌کنند (زنگی‌آبادی و همکاران، ۱۳۸۴: ۱۷۹). سکونتگاه‌های غیر رسمی با تجمعی از اقشار کم‌درآمد و اغلب با مشاغل غیر رسمی^۱ و شیوه‌ای از شهرنشینی ناپایدار^۲ همراه هستند که زمینه‌ساز بسیاری از آسیب‌های اجتماعی به‌شمار می‌روند. این مشکل شهری، تنها مسئله‌ای کالبدی و فیزیکی نبوده و از عوامل کلان ساختاری در سطوح ملی و منطقه‌ای ناشی می‌شود (پورآقایی، ۱۳۸۳، ۱). محرومیت و عدم برخورداری سکونتگاه‌های غیر رسمی از تسهیلات زندگی شهری در قیاس با دیگر نواحی شهری، آنها را به کانون بخرنج شهری و مانع توسعهٔ پایدار انسانی تبدیل کرده است. جای تردید نیست که در فرایند جهانی‌سازی، تعداد زیادی از شهروندان به حاشیه‌های شهرها رانده خواهند شد و به‌دنبال آن، از بسیاری از حمایت‌های اجتماعی نیز بهره‌ای نخواهند برد (صرافی، ۱۳۸۱: ۶).

شهر کرمانشاه به‌دلیل سرعت تحولات اقتصادی خود در دهه‌های اخیر، به‌ویژه دههٔ ۷۰، عرصهٔ حضور گروه‌های کثیری از جمعیت روستاهای بومی و غیر بومی (استان‌های ایلام و لرستان) بوده است که این افراد برای بهره‌گیری از فرصت‌های اقتصادی راهی این شهر شده‌اند. سرعت بالای جمعیت مهاجران و عدم امکان ارائهٔ خدمات سکونتی برای آنها از یک سو و فقدان اهرم نظارتی و کنترلی از سوی دیگر، سبب شده که طیف وسیعی از سکونتگاه‌های غیر رسمی و نابه‌سامان در اطراف شهر هویدا شود (البته گفتنی است که بسیاری از افراد مهاجر، اغلب به‌دنبال افراد خانواده یا قبیلهٔ خود به این شهر مهاجرت کرده‌اند). روند روبه‌رشد و گسترش اسکان‌های و محلات فقیرنشین در شهر کرمانشاه، گویای واقعیت انکارناپذیر در عرصهٔ نظام توسعهٔ شهری کشور است. این گرایش به‌خصوص در دههٔ ۵۰، به‌دلیل تزریق سرمایه‌های ناشی از درآمدهای نفتی و سیاست‌های واردات‌محور، بروز جنگ تحمیلی در دههٔ ۶۰، خشکسالی‌های متعدد

1. Informal Jobs

2. Unsustainable Urbanization

در مناطق روستایی استان و استان‌های همسایه (ایلام و لرستان)، روند فزاینده‌ای به خود گرفت. با توجه به مطالب گفته شده، شکل‌گیری این پدیده مسائل متعددی به همراه دارد که فقط محدود به مناطق حاشیه‌نشینی نمی‌شود و حتی کل یک شهر را متأثر می‌کند؛ به طوری که پیامد آن، بروز انواع ناهنجاری‌ها در زمینه شهرنشینی است. اشتغال افراد حاشیه‌نشین در مشاغل غیر رسمی و کاذب، وجود ساخت‌وسازهای غیر مجاز، عدم توانایی شهرداری‌ها برای ارائه خدمات مناسب در این مناطق، آلودگی محیط زیست، اثرات نامطلوب فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی این مناطق بر کل سیستم شهری و مانند اینها، از جمله آثار مخرب و مضر حاشیه‌نشینی و اسکان غیر رسمی است. از این رو، مطالعه و بررسی این چالش‌ها و ارائه راهکارهایی برای کاهش آنها مهم به نظر می‌رسد. در همین راستا و با توجه به اهمیت موضوع حاشیه‌نشینی و نیز علت اهمیت و ارزش تاریخی و فرهنگی شهر کرمانشاه، لازم است تا با شناختی ژرف‌تر به این موضوع و روند روبه‌افزایش آن پرداخته شود.

مبانی نظری

در زمینه علل حاشیه‌نشینی نظریه‌های مختلفی مطرح شده است. باید توجه داشت که علل حاشیه‌نشینی در رابطه مستقیم با علل مهاجرت از روستا به شهر است. نظریه مرکز - پیرامون^۱ به خوبی فرایند شکل‌گیری مناطق حاشیه‌ای را در نتیجه بهره‌کشی ناعادلانه هسته شهری نشان می‌دهد. در این نظریه هسته مرکزی شهر، به دلیل عامل سلطه بر پیرامونش که خود از انباشت سرمایه در درون و عدم سرمایه‌گذاری از بیرون حاصل می‌شود، پیوسته خود را تقویت کرده و ناحیه بیرونی خود را از توسعه فیزیکی و انسانی باز می‌دارد (قرخلو و شریفی، ۱۳۸۲: ۸۸).

مهاجرت یک پدیده مشکل‌ساز در شهرها و یکی از دلایل اصلی ایجاد و توسعه اسکان غیر رسمی شمرده می‌شود. در کشورهای رو به پیشرفت، منابع محدود و نابرابری‌های طبیعی و جغرافیایی موجود، سبب تقدم بهره‌مندی بخشی از گروه‌های اجتماعی و کناره‌گیری سایر گروه‌ها، به ویژه مناطق روستایی می‌شود. بخشی از جامعه که از مواهب اولیه توسعه بهره‌مند نشده‌اند با تشخیص امکانات اقتصادی و اجتماعی در مناطق پیشرفته‌تر، به آنجا روی آورده تا جزئی از مجموعه اجتماعی و اقتصادی آنجا شوند (اطهاری و همکاران، ۱۳۷۹: ۸۲). بنابراین علل حاشیه‌نشینی را نمی‌توان خارج از چارچوب علل مهاجرت از روستا به شهر بررسی کرد؛ زیرا حاشیه‌نشینی بخشی از سیل روزافزون جمعیت مهاجران است که از روستا به سمت شهرهای بزرگ و کوچک سرازیر شده و تا زمانی که مهاجرت از روستا به شهر ادامه یابد، مسئله حاشیه‌نشینی هم وجود خواهد داشت (ربانی و همکاران، ۱۳۸۸: ۹۷).

طی چند دهه گذشته، افزایش انفجاری جمعیت شهری در کشورهای رو به پیشرفت، منجر به افزایش مهاجرت شده است و دولت‌های محلی برای حل آن چاره‌ای نیندیشیده‌اند؛ این مسائل موجب شده این رشد، سریع‌تر به وقوع بپیوندد. تعدادی از این مسائل به مراتب بدیهی‌تر شامل، اقامت غیرقانونی در مکان‌ها، فقدان مسکن و خدمات شهری و بیکاری، در نهایت منجر به تشدید محلات پرجمعیت و کثیف شهر، تراکم جمعیتی زیاد و حاشیه‌نشینی در مناطق جنبی و

کناره‌های شهرها می‌شود (اولاک، ۱۹۷۸: ۵۳۵). مهم‌ترین دلایل اصلی افراد در انتخاب مناطق حاشیه‌ای، پایین بودن ارزش ملک، پایین بودن قیمت زمین و پایین بودن اجاره بهای مسکن (ودلد و سیدهام، ۲۰۰۲: ۳) و مسئله بیکاری است (پاپلی‌یزدی، ۱۳۸۰: ۱۲).

بیلرزبرو (۱۹۹۶) عوامل سیاسی، اقتصادی - اجتماعی، فرهنگی و روان‌شناختی را در مهاجرت مؤثر می‌داند. قرخلو و شریفی (۱۳۸۴) به نقل از لی و بوگ بیان می‌کنند، مهاجرت‌های داخلی به‌میزان قابل توجهی از فرایند برنامه‌ریزی‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی تأثیر می‌پذیرند و در بعضی موارد، الگوهای برنامه‌ریزی توسعه اقتصادی و اجتماعی، سبب تشدید مهاجرت‌ها به مناطق شهری و ایجاد مناطق حاشیه‌نشین می‌شود.

وجود مناطق حاشیه‌نشین یک پدیده جهانی است. دلایل شکل‌گیری این پدیده متنوع و متعدد است که ممکن است از مکانی به مکان دیگر متفاوت باشد. به‌هرحال، مهاجرت یکی از دلایل مهم آن به‌شمار می‌رود (اختر و توران، ۲۰۰۴: ۲). پیران معتقد است که برای دریافت دلایل حاشیه‌نشینی و رسیدن به فضای تصمیم‌گیری در این مسئله، باید این دلایل را در سه سطح کلان، میان و خرد مورد توجه قرار دهیم. وی فضا و روابط بین‌المللی، شرایط تاریخی، ساختار اجتماعی - اقتصادی ایران و نظام شهری کشور و شهر مورد نظر را در سطح کلان مورد توجه قرار می‌دهد. همچنین در سطح میانه به منطقه و خصوصیات آن می‌پردازد و به‌طور کلی بیان می‌کند که برای رسیدن به فضای تصمیم‌گیری باید به مطالعه موردی توجه کرد (پیران، ۱۳۷۰: ۶۷).

با توجه به رشد سریع شهرنشینی و روبه‌رویی با معضل حاشیه‌نشینی و پیامدهای مربوط به آن در شهرها و نیز، وجود مشکلات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ناشی از این مسئله، مطالعات مختلفی در این زمینه در نقاط مختلف جهان انجام شده و چالش‌های حاشیه‌نشینی از دیدگاه‌های مختلف مورد بررسی قرار داده شده است که در ادامه بعضی از این مطالعات مورد اشاره قرار گرفته است.

نتایج لوئیز و همکاران (۲۰۰۳) نشان داد، شرایط بهداشتی ضعیف و زیرساخت‌های فاقد امکانات لازم، از ویژگی‌های مناطق حاشیه‌نشین است. یانگ (۲۰۰۰) مهم‌ترین چالش حاشیه‌نشینان را در محرومیت مادی آنان می‌داند و بر این باور است که این افراد علاوه بر محرومیت مادی، از برنامه‌ها، خدمات و سیاست‌ها نیز محروم هستند.

نتایج مطالعه نقدی (۱۳۸۲) در همدان نشان داد، مواردی مانند بی‌مسکنی و بدمسکنی، معضل دفع زباله، عدم دسترسی به آب بهداشتی، گسترش آسیب‌ها و انحراف‌های اجتماعی، احساس عدم تعلق و بیگانگی با شهر و مشکل توزیع عادلانه‌تر امکانات و خدمات شهری مورد نیاز شهروندان، از دسته مهم‌ترین چالش‌های حاشیه‌نشینی در منطقه مورد مطالعه به‌شمار می‌رود.

ابراهیم‌زاده و همکاران (۱۳۸۳) در مطالعه‌ای در کریم‌آباد زاهدان با عنوان «حاشیه‌نشینی؛ ناهنجاری‌های شهری و راهکارهای تعدیل آن» به بررسی ناهنجاری‌های شهری ناشی از حاشیه‌نشینی با رویکرد توانمندسازی سکونتگاه‌های نابه‌سامان پرداخته‌اند، نتایج این مطالعه نشان داد ۵۸ درصد منطقه مورد مطالعه، به‌دلیل پایین بودن سطح سواد و مهارت در بخش غیر رسمی اقتصاد، به شغل‌های کاذب رو می‌آورند. ۸۰/۷ درصد واحدهای مسکونی فاقد پروانه ساختمان

هستند. همچنین وجود مسیرهای روباز فاضلاب و فضاهای غیربهداشتی در سطح شهر که منجر به شیوع انواع بیماری‌ها شده، از دیگر آثار فضایی - کالبدی حاشیه‌نشینی در این ناحیه شهری است.

اسدالهی و ناطق‌پور (۱۳۸۵) در مطالعه ساختار اجتماعی مناطق حاشیه‌نشین شهر ایلام، عواملی مانند بالابودن مهاجرت، استاندارد نبودن خدمات اولیه شهری، بالابودن بُعد خانوار، پایین‌بودن سطح سواد، بی‌ثباتی در تحصیل و پایین‌بودن خدمات بهداشتی - درمانی را از چالش‌های حاشیه‌نشینی می‌دانند.

محمودی و همکاران (۱۳۸۷) در مطالعه‌ای به بررسی چالش‌های حاشیه‌نشینی در شهرستان کوه‌دشت پرداختند. نتایج مطالعه نشان داد، عدم برخورداری از سیستم فاضلاب مناسب و نیز، مشکل مالی و درآمد کم، از مهم‌ترین چالش‌های حاشیه‌نشینی در منطقه مورد مطالعه به‌شمار می‌آید. همچنین در این مطالعه به‌طور کلی چالش‌های حاشیه‌نشینی به پنج دسته تقسیم شد که به‌ترتیب اهمیت شامل، چالش‌های اجتماعی - فرهنگی، چالش‌های زیستی، چالش‌های اقتصادی، چالش‌های آموزشی - بهداشتی و چالش‌های رفاهی هستند.

محمودی (۱۳۸۶) چالش‌های عمده حاشیه‌نشینی در کشور را شامل مواردی مانند، توسعه آثار منفی زیست‌محیطی و عقب‌ماندن از توسعه پایدار، افزایش روند جذب در حاشیه شهری و چالش‌های اجتماعی و فرهنگی شهری می‌داند.

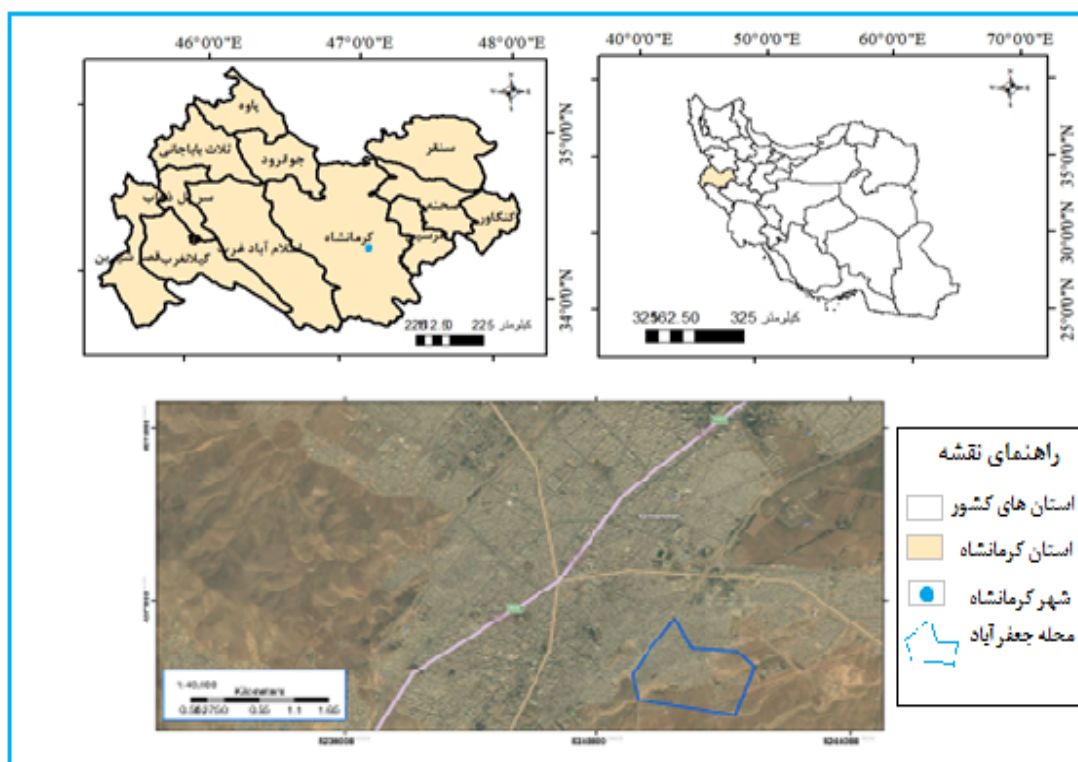
با توجه به مطالب گفته‌شده، می‌توان چالش‌های حاشیه‌نشینی را به پنج دسته کلی تقسیم کرد، چالش‌های اقتصادی، چالش‌های اجتماعی، چالش‌های آموزشی، چالش‌های بهداشتی و چالش‌های مربوط به امور رفاهی که مبنای کلی این مطالعه است.

روش پژوهش

این پژوهش به‌روش توصیفی - تحلیلی و از نوع کاربردی است. با توجه به گستردگی محدوده مطالعه، به‌صورت پیمایشی و با استفاده از ابزار پرسش‌نامه انجام گرفته است. روش پژوهش این مطالعه در هشت مرحله به‌شرح زیر انجام گرفته است:

۱- اطلاعات مربوط به پیشینه پژوهش و کلیات موضوع، از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و جست‌وجو در پایگاه‌های اینترنتی تهیه شده است.

۲- اطلاعات محیطی به‌صورت میدانی و با استفاده از ابزار پرسش‌نامه جمع‌آوری شد، جامعه آماری، کلیه افراد ساکن در منطقه حاشیه‌نشین جعفرآباد شهر کرمانشاه هستند (شکل ۱) که بر اساس آمارهای موجود ۱۵۰۰ نفر برآورد شده است. حجم نمونه به‌روش نمونه‌گیری تصادفی ۱۲۸ نفر محاسبه شد که این تعداد براساس فرمول کوکران و با احتمال خطای ۰/۱ (به‌دلیل محدودیت‌های مالی، زمانی، مکانی و دیگر مشکلات در هنگام جمع‌آوری اطلاعات)، برای نمونه آماری این پژوهش انتخاب شدند.



شکل ۱. موقعیت جغرافیایی محله جعفرآباد نسبت به شهر کرمانشاه، استان کرمانشاه و کشور ایران

با توجه به اینکه هدف پژوهش، اولویت‌بندی چالش‌های حاشیه‌نشینی است، یافته‌های پرسش‌نامه با استفاده از روش تحلیل سلسله‌مراتبی^۱ (AHP) که یک روش تصمیم‌گیری گروهی در محیط‌های پیچیده است، مورد ارزیابی و پردازش قرار گرفته است.

از اوایل دهه ۸۰ آنچه اندیشمندان علم مدیریت به آن توجه کردند، در نظر گرفتن بیش از یک معیار برای هر مسئله و نیز، مؤثر دانستن معیارهای کیفی در کنار معیارهای کمی در تصمیم‌گیری‌ها بود. از این رو، پژوهشگری به‌نام توماس ال ساعتی در دهه ۸۰ برای سیستماتیک کردن تصمیم‌سازی در شرایطی که تلفیقی از معیارهای کمی و کیفی مدنظر است و مدیران علاقه‌مند، نظرات و تجربه‌های شخصی خود را در تصمیم‌گیری‌ها اعمال کنند، فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی را به‌منزله یکی از شاخه‌های تصمیم‌گیری چند شاخصه ابداع کرد (تقوایی و غفاری، ۱۳۸۵: ۴۸).

اساس این روش تشکیل درخت سلسله‌مراتبی تصمیم‌گیری است. هر مسئله تصمیم‌گیری را می‌توان در قالب یک درخت طراحی کرد. سطح اول این درخت، هدف تصمیم‌گیرنده را نشان می‌دهد و اولویت‌گذاری گزینه‌های رقیب برای دسترسی به این هدف است. سطح یا سطوح میانی نشان‌دهنده ملاک‌ها و معیارهای مورد نظر برنامه‌ریزان برای دسترسی به هدف در سطح یک است و سطح آخر آن گزینه‌های در دسترس برای دستیابی به هدف را نشان می‌دهد (اسدپور و پیکانی، ۱۳۷۹: ۳).

۳- تهیه ساختار سلسله‌مراتبی: در این پژوهش سطوح ساختار درخت سلسله‌مراتبی تصمیم به شکل زیر است: در این مرحله ساختار سلسله‌مراتبی موضوع مشخص می‌شود. این مرحله مهم‌ترین قسمت فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی است؛ زیرا در این قسمت با تجزیه مسائل مشکل و پیچیده، فرایند سلسله‌مراتبی آنها را به شکل ساده‌ای تبدیل می‌کند که با ذهن انسان مطابقت داشته باشد. به‌گفته‌ای فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی، مسائل پیچیده را از طریق تجزیه آن به عناصر جزئی که به صورت سلسله‌مراتبی به هم مرتبط بوده و ارتباط هدف اصلی مسئله با پایین‌ترین سطح سلسله‌مراتبی مشخص است را به شکلی ساده‌تری در می‌آورد (جعفری‌گلو و مبارکی، ۱۳۸۷).

۴- تشکیل جدول مقایسه زوجی: جدول‌های مقایسه‌ای بر اساس ساختار سلسله‌مراتبی فوق تهیه می‌شوند. مقایسه زوجی با استفاده از مقیاسی انجام می‌گیرد که از ترجیح یکسان تا ارجحیت بی‌نهایت طراحی شده است. این مقیاس در جدول (۱) نشان داده شده است.

جدول ۱. مقیاس مقایسه زوجی

امتیاز (شدت اهمیت)	تعریف	توضیح
۱	ترجیح یکسان	هر دو گزینه اثر یکسانی بر هدف دارند
۳	کمی ارجحیت	ارجحیت یکی از گزینه‌ها بر دیگری (گزینه مورد مقایسه) اندک است.
۵	ارجحیت قوی	ارجحیت یکی از گزینه‌ها بر دیگری (گزینه مورد مقایسه) قوی است.
۷	ارجحیت بسیار قوی	ارجحیت یکی از گزینه‌ها بر دیگری (گزینه مورد مقایسه) بسیار قوی است.
۹	ارجحیت بی‌نهایت	ارجحیت یکی از گزینه‌ها بر دیگری (گزینه مورد مقایسه) در حد اکثر مقدار ممکن قرار دارد.
۲،۴،۶،۸		امتیازهای میانی نشان‌دهنده حالت‌های میانی هر یک از حالات مقایسه‌ای فوق است.

۵- محاسبه میانگین عددی: پس از تکمیل پرسش‌نامه‌ها به‌دست افراد ساکن در منطقه مورد نظر، با نظرات متفاوتی برای هر یک از گزینه‌ها روبه‌رو خواهیم شد، برای رفع این مشکل باید جداول مقایسه‌ای با هم ترکیب شوند. روش تحلیل سلسله‌مراتبی می‌تواند از محاسبه میانگین هندسی استفاده کرد. صامتی و همکاران (۱۳۸۲) و تقوایی و غفاری (۱۳۸۵) از میانگین هندسی برای ترکیب قضاوت‌ها روش تحلیل سلسله‌مراتبی استفاده کرده‌اند (رابطه ۱).

$$a_{ij} = \left(\prod_{k=1}^n a_{ij}^{(k)} \right)^{\frac{1}{n}} \quad \text{رابطه ۱}$$

a_{ij} = میانگین هندسی معیار a ; a = معیاری که با گزینه‌ها مقایسه می‌شود؛ ij = دو گزینه که با هم مقایسه می‌شوند؛ k = کد شخصی که به سؤال‌های پرسش‌نامه پاسخ داده است؛ n = تعداد افرادی که گزینه‌های معیار را مقایسه کرده‌اند (صامتی و همکاران، ۱۳۸۲).

۶- محاسبه وزن نسبی معیارها و گزینه‌ها: پس از تهیه درخت سلسله‌مراتبی و محاسبه میانگین هندسی، به‌منظور اولویت‌بندی چالش‌های حاشیه‌نشینی، عملیات ریاضی در محیط نرم‌افزاری Expert Choice دنبال شد. در ابتدا معیارها با توجه به هدف، مورد مقایسه زوجی قرار گرفته و وزن نسبی هر معیار با توجه به هدف برآورد شد، در مرحله بعد گزینه‌ها با توجه به معیارها، مقایسه زوجی می‌شوند و وزن نسبی هر گزینه محاسبه می‌شود.

۷- بهبود ناسازگاری تصمیم: در دنیای واقعی، اغلب ناسازگاری وجود داشته و ممکن است این ناسازگاری‌ها به مدل وارد شوند. هنگامی که ناسازگاری صفر است، ما کاملاً سازگار هستیم و هر چه این نرخ افزایش یابد، میزان ناسازگاری در هدف ما نیز افزایش می‌یابد. در حالت کلی اگر نرخ ناسازگاری کمتر از $0/1$ باشد، ناسازگاری نسبتاً قابل قبول است، در غیر این صورت بازنگری در قضاوت ضروری به نظر می‌رسد (قدسی‌پور، ۱۳۸۵).

۸- تلفیق: بعد از مقایسه زوجی و محاسبه وزن نسبی گزینه‌ها و معیارها، باید وزن نهایی هر گزینه محاسبه شود. برای این کار از عمل تلفیق استفاده می‌شود، بدین طریق پاسخ‌های نهایی مسئله به دست می‌آیند.

بحث و یافته‌ها

ویژگی‌های فردی، اجتماعی و اقتصادی

نتایج بررسی نشان داد، اکثریت افراد مورد مطالعه، در رده سنی میان سال (۳۵ تا ۶۵ سال) با میانگین سنی ۳۸ سال قرار دارند. همچنین خانوارهای مورد مطالعه اغلب با خانواده خود مهاجرت کرده‌اند، (۹۳/۶۵ درصد افراد مورد مطالعه با تمام افراد خانوار به شهر مهاجرت کرده‌اند) و میانگین افراد تحت تکفل هر خانوار ۶/۳ نفر است. بالا بودن تعداد خانوار در این منطقه به دلیل بالا بودن نرخ زاد و ولد، عدم استفاده از روش‌های مختلف کنترل جمعیت، تمایل زیاد به داشتن فرزند پسر و زندگی به صورت خانواده‌های پر تعداد است.

نتایج نشان داد که از مجموع جامعه آماری، ۳۸/۳۲ درصد افراد سرپرست خانوار بیسواد، ۳۲/۶۵ درصد تحصیلات در حد ابتدایی و ۲۹/۰۳ درصد دارای تحصیلات بالاتر از ابتدایی هستند. از نظر موقعیت اشتغال، ۳۸/۴۵ درصد سرپرست خانوارهای مورد مطالعه از معضل بیکاری رنج می‌برند و ۶۲/۱۳ درصد از سرپرست خانوارهای مورد مطالعه به مشاغل ماند دست‌فروشی، کارگر شهرداری، کارگر ساده ساختمان و راننده تاکسی (تاکسی اجاره‌ای) اشتغال دارند. همچنین نتایج حاکی از این است که درآمد ماهانه بیش از ۴۵ درصد از این افراد کمتر از سه میلیون ریال است. نتایجی که در مورد موقعیت مسکن به دست آمد نشان داد، بیش از ۵۰ درصد از افراد مورد مطالعه به صورت خانواده گسترده و در خانه استیجاری زندگی می‌کردند و اکثریت آنها (۶۳/۷۳ درصد) از روستا به منطقه حاشیه‌نشین مهاجرت کرده‌اند که این افراد به سبب ضعف مالی، خشکسالی، نداشتن زمین زراعی به اندازه کافی و مهاجرت سایر اقوام خود، حاضر به ترک منطقه قبلی خود شده‌اند.

ایجاد ساختار سلسله‌مراتبی

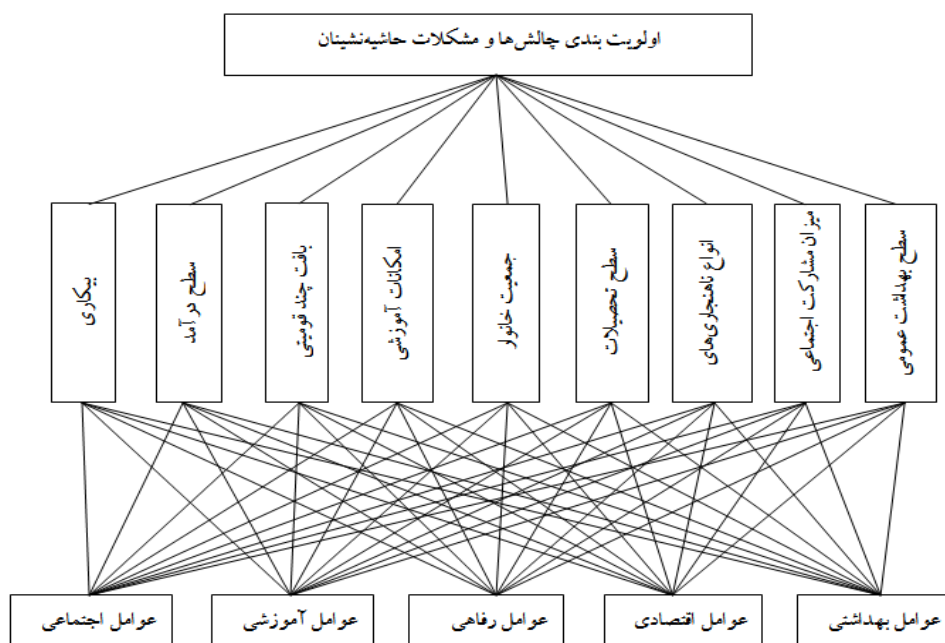
در این پژوهش برای اولویت‌بندی چالش‌های حاشیه‌نشینی، ابتدا بر اساس مطالعات مختلف انجام شده در نقاط مختلف جهان عوامل اصلی انتخاب شدند که عبارتند از: بیکاری و نداشتن شغل دائم، پایین بودن سطح درآمد ماهانه خانوار، وجود بافت چندقومیتی در منطقه، کمبود امکانات آموزشی، نرخ بالای زاد و ولد و جمعیت بالای خانوار، پایین بودن سطح تحصیلات خانوار، وجود انواع ناهنجاری‌های اجتماعی در منطقه، پایین بودن میزان مشارکت اجتماعی خانوارهای ساکن در مناطق حاشیه‌نشین و پایین بودن سطح بهداشت عمومی منطقه. شکل (۲) فهرست عوامل اصلی و زیرشاخه‌های

هریک از آنها را نشان می‌دهد که در مدل به صورت یک لایه مورد استفاده قرار گرفته است. سطح آخر نیز شامل گزینه‌های مهم حاصل از دسته‌بندی معیارهای سطح دوم، شامل عوامل اجتماعی، اقتصادی، رفاهی، آموزشی و بهداشتی است. فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی ابزاری است که برای سیستم پشتیبانی از تصمیم به کار گرفته می‌شود. در این روش برای تعیین تعداد مقایسه‌های زوجی از فرمولی به نام T_k استفاده می‌شود که توضیح آن در جدول (۲) آمده است. بنابراین با توجه به اینکه در این پژوهش نه معیار و پنج گزینه وجود دارد، براساس فرمول فوق، ۳۶ مقایسه زوجی برای معیارها و ۱۰ مقایسه زوجی برای گزینه‌ها مطرح می‌شود.

جدول ۲. تعداد مقایسه‌های زوجی

تعداد متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	n
تعداد مقایسه‌ها	۰	۱	۳	۶	۱۰	۱۵	۲۱	$\frac{n(n-1)}{2}$

منبع: تکنم، ۲۰۰۶



شکل ۲. ساختار سلسله‌مراتبی اولویت‌بندی مسائل و مشکلات موجود در مناطق اسکان غیر رسمی

تعیین ضرایب اهمیت معیارها و گزینه‌ها

برای تعیین وزن نسبی عوامل اصلی، ابتدا برای هر یک از آنها ماتریس هندسی تشکیل شد و وزن نسبی هر یک از آنها به دست آمد. سپس وزن نسبی گزینه‌ها و در نهایت وزن نهایی هر یک از گزینه‌ها تعیین شد که مراحل محاسبات به شرح زیر است:

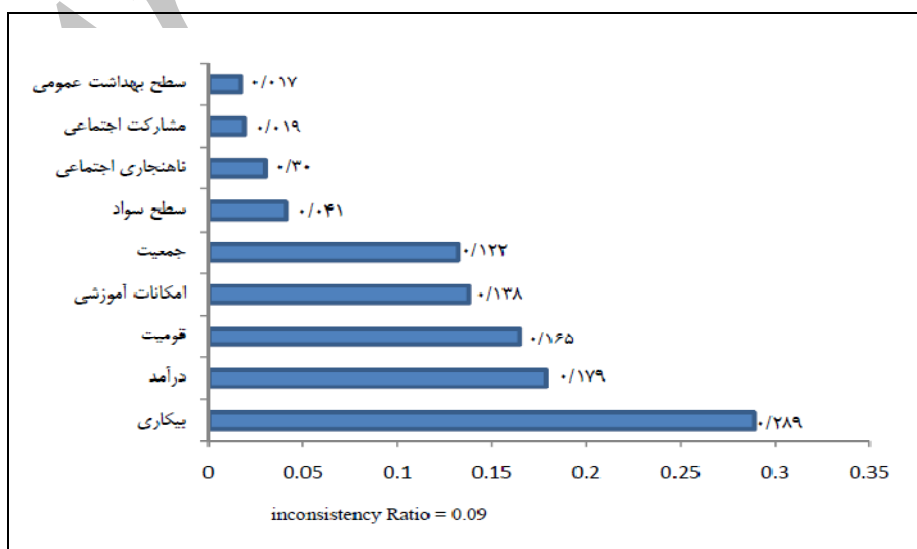
مقایسه معیارها به صورت زوجی با توجه به هدف مطالعه

در این مرحله معیارها به صورت زوجی با توجه به هدف مطالعه (اولویت‌بندی عوامل مؤثر در چالش‌های حاشیه‌نشینی) مقایسه می‌شوند. مطابق با جدول (۳) و نمودار شکل (۳) معیار بیکاری با نسبت ۰/۲۸۹ و معیار درآمد با نسبت ۰/۱۷۹ از بالاترین مشکلات در این منطقه هستند. معیارهای بهداشت عمومی با نسبت ۰/۱۷ و مشارکت اجتماعی با نسبت ۰/۱۹ به ترتیب کمترین نقش را در بین چالش‌های منطقه ایفا می‌کنند. نرخ ناسازگاری محاسبه شده برابر با ۰/۰۹ است، بنابراین سازگاری معیارها با توجه به هدف مطالعه، قابل قبول است.

جدول ۳. ماتریس مقایسه زوجی معیارها نسبت به هدف پژوهش

سطح بهداشت	مشارکت اجتماعی	ناهنجاری‌های اجتماعی	تحصیلات	جمعیت	امکانات آموزشی	قومیت	درآمد	بیکاری	
۶	۸	۷	۶	۴	۳	۳	۱	۱	بیکاری
۶	۹	۴	۳	۲	۲	۳*	۱		درآمد
۷	۷	۴	۳	۲	۱	۱			قومیت
۶	۶	۴	۲	۲	۱				امکانات آموزشی
۶	۶	۵	۳	۱					جمعیت
۶	۶	۲	۱						تحصیلات
۴	۴	۱							ناهنجاری‌های اجتماعی
۱	۱								مشارکت اجتماعی
۱									سطح بهداشت

منبع: یافته‌های پژوهش * نشان‌دهنده معکوس عدد است.



شکل ۳. نمودار مقایسه معیارها به صورت زوجی با توجه به هدف پژوهش

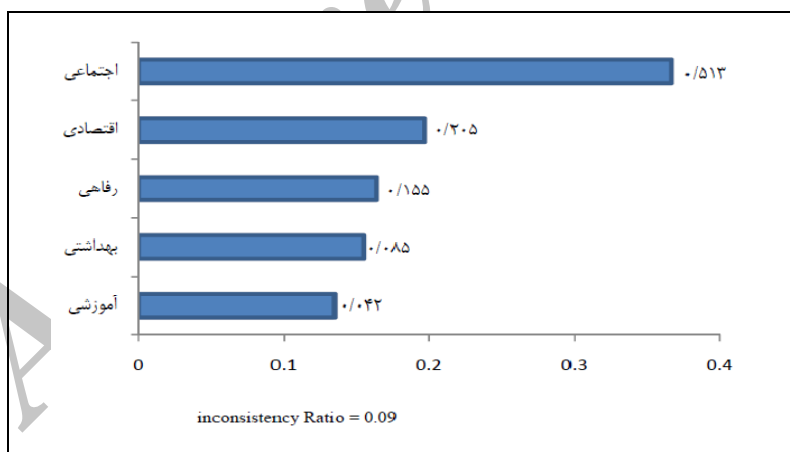
مقایسه گزینه‌ها به صورت زوجی با توجه به معیارها

در مقایسه گزینه‌ها به صورت زوجی با توجه به معیار درآمد، همان‌طور که در جدول (۴) و شکل (۴) مشاهده می‌شود، گزینه اجتماعی با نسبت $0/513$ و آموزشی با نسبت $0/042$ ، به ترتیب از بالاترین و پایین‌ترین نقش را ایفا می‌کنند. نرخ ناسازگاری محاسبه شده برابر با $0/05$ است، بنابراین می‌توان گفت که سازگاری گزینه‌ها با توجه به معیار درآمد قابل قبول است. همان‌طور که شکل (۴) نشان می‌دهد، گزینه اجتماعی با نسبت 367 و گزینه آموزشی با نسبت 135 ، بالاترین و پایین‌ترین نقش را در میان چالش‌های منطقه حاشیه‌نشین، در مقایسه زوجی گزینه‌ها با توجه به معیار بیکاری برخوردار هستند. نرخ ناسازگاری محاسبه شده برابر با $0/05$ است، بنابراین می‌توان گفت سازگاری گزینه‌ها با معیار بیکاری قابل قبول است.

جدول ۴. ماتریس مقایسه زوجی گزینه‌ها نسبت به معیار درآمد

آموزشی	بهداشتی	رفاهی	اقتصادی	اجتماعی	
۶/۵۷	۴/۱۸	۵/۷۵	۳	۱	اجتماعی
۳/۸۵	۳	۲	۱		اقتصادی
۲	۲	۱			رفاهی
۱/۵۷	۱				بهداشتی
۱					آموزشی

منبع: یافته‌های پژوهش



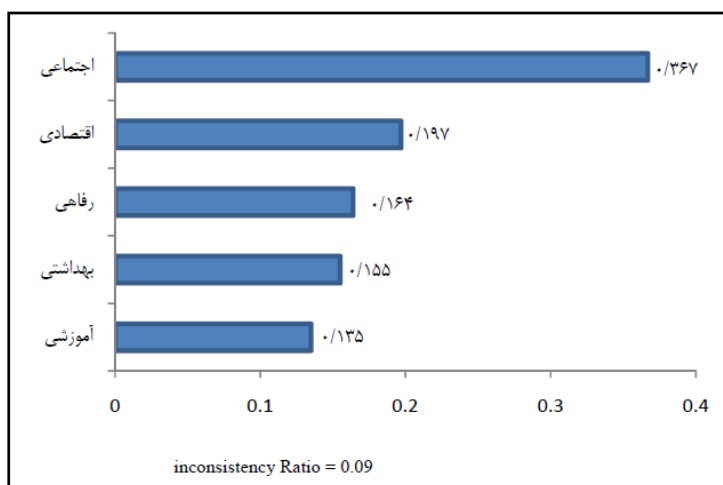
شکل ۴. مقایسه گزینه‌ها به صورت زوجی با توجه به معیار درآمد

جدول ۵. ماتریس مقایسه زوجی گزینه‌ها نسبت به معیار بیکاری

آموزشی	بهداشتی	رفاهی	اقتصادی	اجتماعی	
۳	۳	۳	۲	۱	اجتماعی
۲	۱	۲	۱		اقتصادی
۳	۳*	۱			رفاهی
۱	۱				بهداشتی
۱					آموزشی

*: نشان‌دهنده معکوس عدد است.

منبع: یافته‌های پژوهش



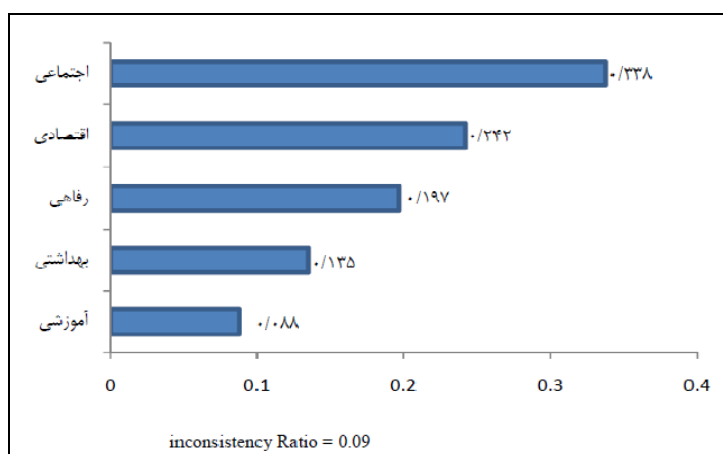
شکل ۵. مقایسه گزینه‌ها به صورت زوجی با توجه به معیار بیکاری

با توجه به جدول (۶) و شکل (۶) معیار اجتماعی با نسب ۰/۳۳۸ و معیار آموزشی با نسبت ۰/۰۸۸ به ترتیب بیشترین و کمترین نقش را بر عهده دارند. نرخ ناسازگاری محاسبه شده برابر با ۰/۰۴ است، بنابراین سازگاری گزینه‌ها با توجه به معیار قومیت قابل قبول است.

جدول ۶. ماتریس مقایسه زوجی گزینه‌ها نسبت به معیار قومیت

معیار	اجتماعی	اقتصادی	رفاهی	بهداشتی	آموزشی
اجتماعی	۱	۱/۴	۲/۴	۱/۷	۴/۲
اقتصادی		۱	۱/۷	۱/۲	۳
رفاهی			۱	۱/۷*	۱/۷
بهداشتی				۱	۲/۳
آموزشی					۱

منبع: یافته‌های پژوهش * نشان‌دهنده معکوس عدد است.



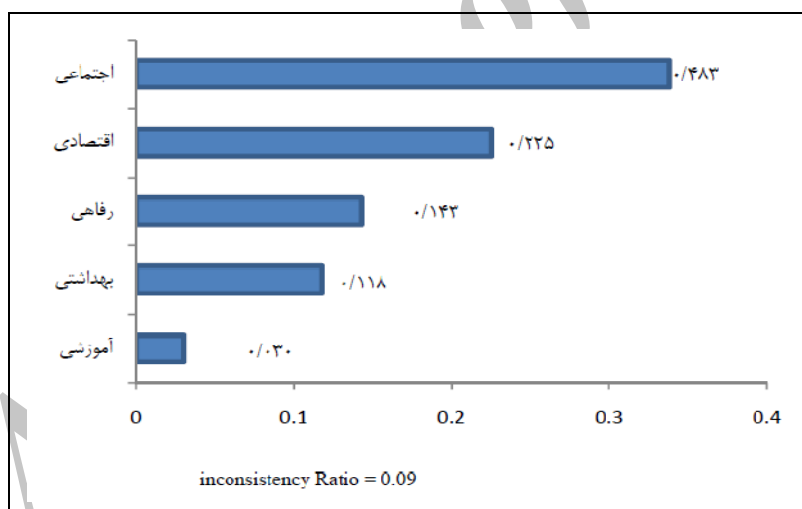
شکل ۶. مقایسه گزینه‌ها به صورت زوجی با توجه به معیار قومیت

نتیجه مقایسه گزینه‌ها با توجه به معیار جمعیت در جدول (۷) و نمودار شکل (۷) نشان داده شده است. گزینه‌های اجتماعی با نسبت ۴۸۳ و آموزشی با نسبت ۳۰ به ترتیب بالاترین و پایین‌ترین چالش‌ها هستند. نرخ ناسازگاری محاسبه شده برابر با ۰/۰۸ است، بنابراین سازگاری گزینه‌ها با معیار جمعیت قابل قبول است.

جدول ۷. ماتریس مقایسه زوجی گزینه‌ها نسبت به معیار جمعیت

آموزشی	بهداشتی	رفاهی	اقتصادی	اجتماعی	
۷	۴/۲	۲/۹	۳	۱	اجتماعی
۷/۶	۲/۱	۱/۶	۱		اقتصادی
۳/۷	۰/۸	۱			رفاهی
۳/۶	۱				بهداشتی
۱					آموزشی

منبع: یافته‌های پژوهش



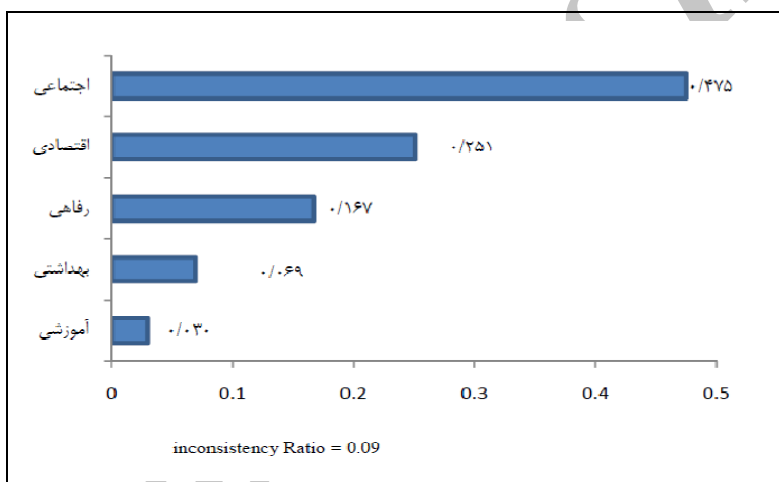
شکل ۷. مقایسه گزینه‌ها به صورت زوجی با توجه به معیار جمعیت

مقایسه گزینه‌ها با توجه به معیار مشارکت اجتماعی (جدول ۸ و شکل ۸) نشان می‌دهد که گزینه اجتماعی با نسبت ۰/۴۷۵ بیشترین اولویت و گزینه آموزشی با نسبت ۰/۰۳ کمترین اولویت را برعهده دارند. نرخ ناسازگاری محاسبه شده برابر با ۰/۰۸ است، بنابراین سازگاری گزینه‌ها با معیار مشارکت اجتماعی قابل قبول است. مقایسه گزینه‌ها با توجه به معیار انحرافات اجتماعی (جدول ۹ و شکل ۹) نشان می‌دهد که گزینه اقتصادی با نسبت ۰/۳۸۱ بیشترین و گزینه بهداشتی با نسبت ۳۰ کمترین اولویت را برعهده دارند. همچنین نرخ ناسازگاری محاسبه شده برابر با ۰/۰۷ است، بنابراین سازگاری گزینه‌ها با معیار انحرافات اجتماعی قابل قبول است.

جدول ۸. ماتریس مقایسه زوجی گزینه‌ها نسبت به معیار مشارکت اجتماعی

	آموزشی	بهداشتی	رفاهی	اقتصادی	اجتماعی
اجتماعی	۷	۶	۳	۳	۱
اقتصادی	۵	۴	۲	۱	
رفاهی	۶	۳	۱		
بهداشتی	۲	۱			
آموزشی	۱				

منبع: یافته‌های پژوهش

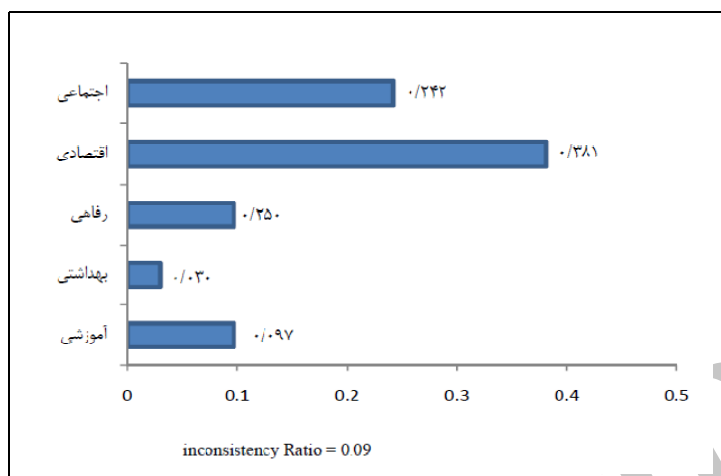


شکل ۸. مقایسه گزینه‌ها به صورت زوجی با توجه به معیار مشارکت اجتماعی

جدول ۹. ماتریس مقایسه زوجی گزینه‌ها نسبت به معیار انحرافات اجتماعی

	آموزشی	بهداشتی	رفاهی	اقتصادی	اجتماعی
اجتماعی	۵	۴	۱	۳*	۱
اقتصادی	۵	۴	۲	۱	
رفاهی	۶	۴	۱		
بهداشتی	۳	۱			
آموزشی	۱				

منبع: یافته‌های پژوهش * نشان‌دهنده معکوس عدد است.



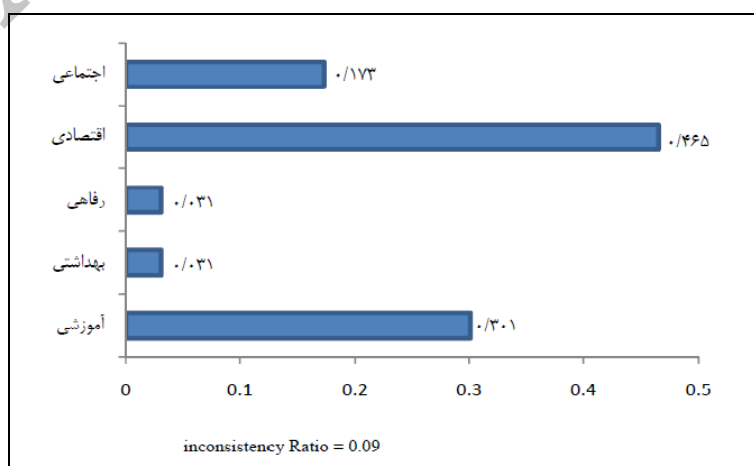
شکل ۹. مقایسه گزینه‌ها به صورت زوجی با توجه به معیار انحرافات اجتماعی

مقایسه زوجی گزینه‌ها با توجه به معیار امکانات آموزشی (جدول ۱۰ و شکل ۱۰) گزینه اقتصادی با نسبت ۰/۴۶۵ و گزینه‌های بهداشتی و رفاهی با نسبت ۰/۰۳۱، به ترتیب بالاترین و کمترین اولویت را برعهده دارند. نرخ ناسازگاری محاسبه شده برابر با ۰/۰۸ است، بنابراین سازگاری گزینه‌ها با معیار امکانات آموزشی قابل قبول است.

جدول ۱۰. ماتریس مقایسه زوجی گزینه‌ها نسبت به معیار امکانات آموزشی

آموزشی	بهداشتی	رفاهی	اقتصادی	اجتماعی	
۴*	۴	۳	۳*	۱	اجتماعی
۳	۶	۶	۱		اقتصادی
۶*	۱	۱			رفاهی
۶	۱				بهداشتی
۱					آموزشی

منبع: یافته‌های پژوهش * نشان‌دهنده معکوس عدد است.



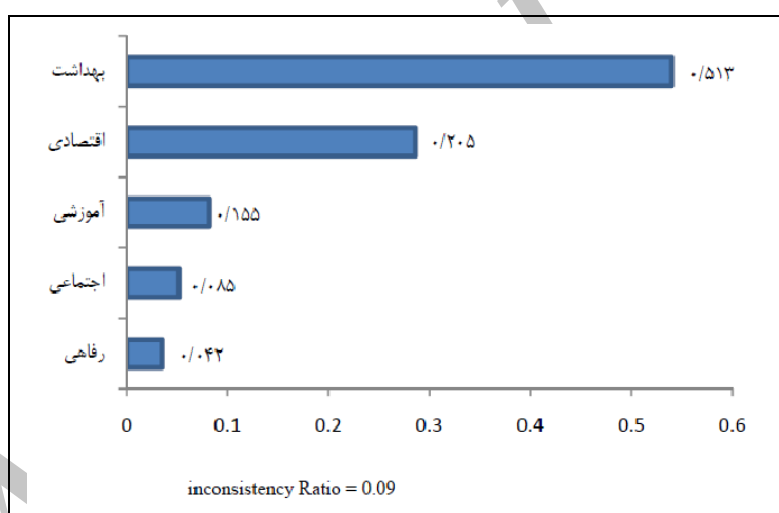
شکل ۱۰. مقایسه گزینه‌ها به صورت زوجی با توجه به معیار امکانات آموزشی

مقایسه زوجی گزینه‌ها با توجه به معیار بهداشت (جدول ۱۱ و شکل ۱۱) نشان می‌دهد که گزینه‌های بهداشت با نسبت ۵۴۰ و رفاهی با نسبت ۰/۰۳۵ به ترتیب بالاترین و پایین‌ترین اولویت را برعهده دارند. نرخ ناسازگاری محاسبه‌شده برابر با ۰/۰۸ است، بنابراین سازگاری گزینه‌ها با معیار بهداشت قابل قبول است.

جدول ۱۱. ماتریس مقایسه زوجی گزینه‌ها نسبت به معیار امکانات بهداشتی

آموزشی	بهداشتی	رفاهی	اقتصادی	اجتماعی	
۲*	۷*	۱	۵*	۱	اجتماعی
۵	۳*	۴	۱		اقتصادی
۲*	۷*	۱			رفاهی
۶	۱				بهداشتی
۱					آموزشی

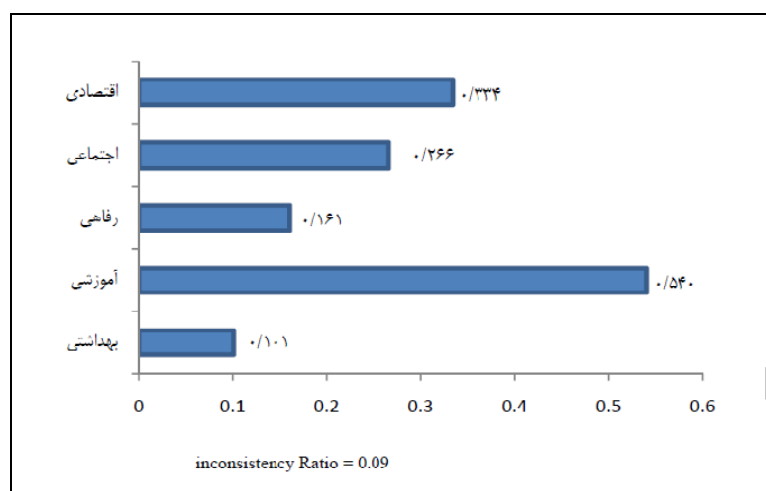
منبع: یافته‌های پژوهش * نشان‌دهنده معکوس عدد است.



شکل ۱۱. مقایسه گزینه‌ها به صورت زوجی با توجه به معیار بهداشت

مرحله تلفیق

در مرحله پایانی برای به دست آوردن وزن نهایی گزینه‌ها، لازم است تا عمل تلفیق انجام گیرد. نتایج حاصل از تلفیق چالش‌ها و مشکلات حاشیه‌نشینی در منطقه مورد مطالعه در شکل (۱۲) نشان داده شده است. از بین چالش‌های موجود در منطقه حاشیه‌نشین مورد مطالعه، عامل اقتصادی با نسبت ۰/۳۳۴ اهمیت بیشتری نسبت به سایر عوامل دارد و در مقابل عامل بهداشت با نسبت ۰/۱۰۱ از کمترین اولویت برخوردار است. عوامل اجتماعی و رفاهی، به ترتیب اولویت دوم و سوم را برعهده دارند. در نهایت می‌توان نتیجه گرفت که چالش‌های منطقه حاشیه‌نشین محله جعفرآباد، به ترتیب عوامل اقتصادی، اجتماعی، آموزشی، رفاهی و بهداشت هستند.



شکل ۱۲. گزینه نهایی چالش‌های حاشیه‌نشینان با توجه به معیارها و هدف

نتیجه‌گیری

رشد شهری در کرمانشاه طی ۵۰ سال اخیر چشمگیر بوده که بخش قابل توجهی از آن، معلول مهاجرت‌های روستا - شهری و شهر به شهر در داخل این استان و میزان کمتری از سایر استان‌ها بوده است. محله جعفرآباد یکی از محله‌های حاشیه شهر کرمانشاه است که جمعیت بالایی در آن ساکن هستند. همه مردم شهر این محله را محله مسئله‌داری از نظر بافت کالبدی، اقتصادی و اجتماعی می‌شناسند. همان طوری که بیان شد، هدف این مطالعه بررسی و اولویت‌بندی مسائل و مشکلات حاشیه‌نشینان منطقه جعفرآباد شهر کرمانشاه بوده است، بنابراین با توجه به مباحث نظری به بررسی چالش‌های اقتصادی، اجتماعی، رفاهی، آموزشی و بهداشتی پرداخته شد. داده‌های این مطالعه با استفاده از روش تحلیل سلسله‌مراتبی و نرم‌افزار Expert Choice مورد تحلیل قرار گرفت که نتایج تحلیل آنها به شرح زیر ارائه شده است:

با توجه به نتایج به دست آمده از روش تجزیه و تحلیل چند معیاره (AHP)، می‌توان گفت که عامل اقتصادی نسبت به سایر عوامل دیگر از اهمیت بالاتری برخوردار است. با توجه به اینکه بیش از ۷۰ درصد ساکنان این منطقه بیسواد یا تحصیلات ابتدایی دارند، بنابراین امکان یافتن شغلی برای آنها به غیر از مشاغل کاذب و کارگری وجود ندارد. همچنین، اکثر آنها مهاجران روستاهای اطراف شهرستان هستند که به دلیل بیکاری یا کاهش درآمد زراعی در اثر خشکسالی، به این مناطق روی آورده‌اند.

همچنین نتایج به دست آمده از پژوهش نشان داد، بیکاری، کمبود درآمد، بافت قومی قبیله‌ای بودن منطقه - که این عامل باعث بسیاری از درگیری‌های دسته‌جمعی در منطقه است - و کمبود امکانات آموزشی، به ترتیب از نظر ساکنان منطقه جعفرآباد شهر کرمانشاه، اولویت بیشتری نسبت به سایر مشکلات دارند. ساکنان این مناطق به دلیل پایین بودن سطح تحصیلات و عدم وجود توانمندی فنی و حرفه‌ای و مهارت شغلی لازم برای کسب فرصت‌های شغلی مناسب در شهر، اغلب به اشتغال کاذب و غیرقانونی روی می‌آورند که این عوامل تأثیر مستقیمی بر درآمد خانوار می‌گذارد. به‌طور

کلی، می‌توان بیکاری و نبود فرصت‌های شغلی را یکی از بزرگترین مشکلات و مسائل مناطق حاشیه‌نشین و به‌ویژه منطقه مورد مطالعه دانست.

مدل نهایی به‌دست آمده از پژوهش نشان می‌دهد، مهم‌ترین چالش موجود در منطقه جعفرآباد شهر کرمانشاه، چالش اقتصادی است. دلیل اهمیت این چالش را می‌توان ناشی از درآمد پایین و وجود میزان بیکاری زیاد در بین ساکنان آن منطقه دانست. بررسی نگارندگان در منطقه نشان می‌دهد، کارگری، مشاغل آزاد، رانندگی و دست‌فروشی، از دسته مشاغل ساکنان منطقه مورد مطالعه است. همچنین، مشاغل کاذب و غیر تولیدی مانند سیگارفروشی، کوپن‌فروشی و حتی در بعضی از موارد، فروش مواد مخدر از دیگر مشاغل موجود در این منطقه است. البته بنا به گفته خود ساکنان محله، میزان بیکاری در این منطقه بالا بوده که این عامل ناشی از نداشتن تخصص و پایین بودن سطح سواد آنان است که انحرافات اجتماعی را موجب می‌شود. به‌طور کلی به نقل از نقدی و صادقی (۱۳۸۵) حاشیه‌نشینی را می‌توان آیینۀ تمام‌نمای فقر شهری در نظر گرفت.

دومین چالش مهم منطقه مورد مطالعه که در مدل نهایی و با استفاده از تحلیل سلسله‌مراتبی به‌دست آمد، چالش اجتماعی است. این امر ناشی از میزان پایین سطح سواد، انواع ناهنجاری‌های اجتماعی و میزان بالای بافت چند قومیتی و قومی و قبیله‌ای در منطقه است. پایین بودن سطح سواد منطقه مورد مطالعه، بیشتر از کمبود امکانات آموزشی در محل زندگی اصلی و اولیۀ افراد ساکن در منطقه جعفرآباد ناشی می‌شود. این افراد بیشتر مهاجران روستاهای که در مرز بین استان ایلام، کرمانشاه و لرستان هستند که بر اثر خشکسالی، نداشتن شغل، کمبود درآمد، درگیری‌های قومی و مانند آن، مجبور به مهاجرت شده‌اند. در خیلی از مواقع، برخی از افراد مهاجر تمامی مشکلات خود و خانواده خود، از جمله درگیری‌های خانوادگی و قومی قبیله‌ای را به منطقه مورد مطالعه انتقال داده‌اند که این امر (بافت قومی قبیله‌ای)، از جمله مشکلات دیگر عامل اجتماعی در منطقه است.

اصولاً مناطق حاشیه‌نشین، به‌صورت خودرو در زمین‌هایی بدون برنامه شکل می‌گیرند، بنابراین این مناطق معمولاً فاقد تأسیسات زیربنایی بوده و شهرداری‌ها و مسئولان شهر خود را موظف به تأمین تأسیسات آن مناطق نمی‌دانند. از سوی دیگر، به‌دلیل پراکندگی و گاه دوری این مناطق از بافت اصلی شهر، منطقه مساعدی برای به‌وجود آمدن و رشد انواع ناهنجاری‌ها و بزه‌کاری‌های اجتماعی است که طی چند سال گذشته در منطقه شکل گرفته است (مانند دزدی، قاچاق اسلحه، فروش مواد مخدر و غیره)، بنابراین می‌توان برای از بین بردن حاشیه‌نشینی یا مشکلات آن پیشنهادهای زیر را ارائه کرد:

۱- پایین بودن درآمد ساکنان و بیکاری آنها، سبب ایجاد چالش اقتصادی در منطقه جعفرآباد شهر کرمانشاه شده است، بنابراین ایجاد اشتغال و کارآفرینی برای آنان، به‌ویژه در بخش‌های تولیدی، نه‌تنها به کاهش بیکاری و جلوگیری از اشتغال در اقتصاد غیر رسمی و شغل‌های کاذب می‌انجامد، بلکه موجب افزایش درآمد، کاهش فقر، بهبود کیفیت زندگی آنها و گسترش عدالت اجتماعی و اقتصادی برای تمامی گروه‌های اجتماعی خواهد شد.

۲- یکی از چالش‌های مهم منطقه جعفرآباد شهر کرمانشاه، چالش اجتماعی است که در نتیجه وجود قومیت‌های متفاوت و رواج انحرافات اجتماعی در منطقه به‌وجود آمده است. بنابراین پیشنهاد می‌شود مسئولان در زمینه افزایش

امنیت اجتماعی این منطقه به تصمیم‌گیری و اجرای برنامه‌های کوتاه‌مدت (برقراری امنیت از طریق نیروهای انتظامی) و بلندمدت (برنامه‌ریزی برای بالابردن فرهنگ شهرنشینی ساکنان، ایجاد اشتغال‌های کارآمد و بالا بردن سطح سواد ساکنان) همت گمارند.

۳- با توجه به اینکه مهم‌ترین عوامل چالش‌آفرین در منطقه مورد مطالعه (جدول ۳)، بیکاری، پایین بودن سطح درآمد و بافت قومی است، لازم است این سه عامل، در سرلوحه برنامه‌های سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان استان و شهر کرمانشاه قرار گیرد.

در پایان گفتنی است با توجه به گستردگی و پیچیدگی مسائل و مشکلات حاشیه‌نشینی و حاشیه‌نشینان، برای حل اولویت‌بندی این مشکلات می‌توان از روش تحلیل سلسله‌مراتبی استفاده کرد و در زمینه توسعه پایدار شهری به تعیین مسیری خاص، علمی و قابل درک پرداخت. فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی را می‌توان به همه خصوصیات ساده و ویژه آن، در بسیاری از زمینه‌های مربوط به امر توسعه شهری در هر منطقه به کار بست.

منابع

1. Asadollahi, A. & Nateghpoor, M., 2006, **Investigation Social Structure of Marginalized Areas in Ilam City**, Derived from Sociology of Iran Site: <http://sociologyofiran.com/index.php>. (in Persian)
2. Asadpoor, H & Peikani, G.R., 2001, **Group Decision Making in the Complex Environments with Using AHP**, Proceedings of the third Conference of Iran's Agricultural Economy, February 17, Mashhad. (in Persian)
3. Akhter, A. M. & Toran, K., 2004, **Migration, Slums & Urban Squalor**, Proceedings of the Third International Conference on Environment and Health, 15-17 December, Chennai, India.
4. Bilborrow, R. E., 1996, **Migration, Urbanization and Development: Direction and Issues**, United Nations Population Fund Publishers, New York.
5. Ebrahimzadeh, I., Barimani, F. & Nasiree, U., 2004, **Marginalization: Urban Abnormalities and Its Mitigation Strategies, Case Study: Karimabad in Zahedan**, Geography and Development Quarterly, Vol. 2, No. 3, PP. 121-146. (in Persian)
6. Ghodsipoor S.H, 2006, **Decision-making Discussions in Multivariate Analysis Hierarchy Process AHP**, Amirkabir University Press, Tehran. (in Persian)
7. Jafarbygloo, M. & Mubarak, Z., 2008, **Assessment of Land Suitability for Cultivation of Saffron in Qazvin Province, Based on Multi-criteria Decision Making Methods**, Research in Natural Geography, Vol. 40, No. 66, PP. 101-119. (in Persian)
8. Khakpour, B., Biranvandzadeh, M., Rostam Goorani, I. & Sorkh Kamal, K., 2011, **Informal Settlement, Abnormalities of the City and Strategies to Mitigate it, Case Study: Tohid City in Bandar Abbas**, Journal of Geographical Space, Vol.11, No. 34, PP. 156-181. (in Persian)

9. Lues, J. F. R., Venter, P. Vander, W., 2003. **Enumeration of Potential Microbiological Hazards in Milk From a Marginal Urban Settlement in Center a South Africa**, Food Microbiology. Vol. 20, No. 6, PP. 321-326.
10. Mahmoodi, S., 2007, **Water and City Marginalized**, Taken from the Site <http://www.aftab.ir/articles/social/urban/>. (in Persian)
11. Mohammadi, Y., Rahimian, M., Mvahed Mohamadi, H. & Torfi, A., 2009, **Study of the Challenges of Marginalization in Koohdasht City, Province**, Human Geography Research, Vol. 66, No. 2, PP. 85-98. (in Persian)
12. Mohseni, M., 1997, **Public Sociology**, Tahori Publication, Tehran. (in Persian)
13. Mumtaz, B., 2001, **Why Cities Need Slums**, Habitat Debate, Vol.7, No. 3, PP. 15-25.
14. Naghdy, A. & Sadeghi, R., 2006, **Marginalization Challenge of Urban Sustainable Development (with Emphasis on the City of Hamedan)**, Journal of Social Welfare, Vol.20, No. 5, PP. 213-233. (in Persian)
15. Naghdy, A., 2004, **Introduction to Urban Sociology, Anthropology, and City**, Fanavaran Publicatin, Hamedan. (in Persian)
16. Papoli Yazdi, M.H., 2001, **Urban Problems in Iran**, Geographical Research Quarterly, Vol. 61, No.1, PP. 9-21. (in Persian)
17. Piran, P., 2002, **Again about the Informal Settlement, Case Study: Shirabad in Zahedan**, Seven Cities Magazine, Vol. 3, No. 9 / 10, PP. 5-12. (in Persian)
18. Piran, P., 1990, **Theoretical Perspectives in City and Urbanization Sociology**, Journal of Political - Economic Information, Vol. 43 / 44, No. 1, PP. 66-69. (in Persian)
19. Pooraghaee, A., 2004, **Investigation and Analysis of the Informal Settlement in Rasht City and Appropriate Solutions for Improvement its Trend**, M.A. Thesis, Yazd University. (in Persian)
20. Qarekhlo, M. & Sharifi, A., 2005, **Emergence, Physical Evolution, and Marginalized Social and Economic Status (Case Study: the Ain Neighborhood 2 Ahwaz)**, Journal of Geographical Studies, Vol. 36, No. 50, PP. 87-102. (in Persian)
21. Rabbani, R., Varesis, H.R. & Taheri, Z., 2009, **An Analysis of the Main Causes of Marginalization in the Case of: the Expensive and Dark**, Geography and Development, Vol. 7, No. 13, PP. 93 - 125. (in Persian)
22. Sameti, M., Sameti, M. & Asghari, M., 2003, **The Development Priorities of the Provincial Industry and Based on a Hierarchical Process (AHP)**, Iranian Journal of Trade Studies, Vol. 7, No. 27, PP. 90-59. (in Persian)
23. Sarafi, M., 2001, **Marginalization of the Urban Text**, Journal of the Seven Cities, Vol. 3, No. 8, PP. 6-15.
24. Shakuie, H., 1993, **New Perspectives in Urban Geography**, Vol. 1, Samt Press, Tehran. (in Persian)

25. Shieh, I., Habibi, K. & Kamaly Nasab, H., 2011, **The Formation and Expansion of Informal Settlements, Case Study: Sohrabyh Karaj Neighborhoods**, Villages, Housing and Environment, Vol. 30, No. 133, PP. 39-48. (*in Persian*)
26. Taghvaei, M. & Ghafari, S.R., 2005, **Prioritizing the Crisis in Rural Settlements with AHP Metod, Case Study: Bazyaft Rural District**, Research Magazine of Human Sciences, Vol. 20, No. 1, PP. 47-74. (*in Persian*)
27. Teknomo, K., 2006, **Analytical Hierarchy Process (AHP) Tutorial**, Retrieved from <http://people.revoedu.com/kardi/tutorial/ahp/index.html>.
28. Ulack, R., 1978, **The Role of Urban Squatter Settlements**, Annals of the Association of American Geographers, Vol. 68, No. 4, PP. 535-550.
29. Young, I. M., 2000, **Five Faces of Oppression**, in M. Adams, (Ed.), Readings for Diversity and Social Justice, Rutledge, New York.
30. ZangiAbadi, A., Zarrabi, A. & Khobaiand, S., 2005, **Analysis of Socio-economic Marginalization in the City of Isfahan**, Isfahan University Journal (Humanities), Vol.18, No. 1, PP. 179-194. (*in Persian*)

Archive 01